

# اصول و قالب‌های تدریس احکام

(۶)

عبدالرحیم موکبی



در شماره‌های پیشین ده اصل از اصول تدریس و آموزش احکام، از جمله «آموزش نکته‌ها» را توضیح دادیم. اکنون قسمت دوم از آموزش نکته‌ها را ذکر می‌کنیم:

## آموزش نکته‌ها

در شماره پیش گفتیم یکی از راه‌های ایجاد انگیزه و علاقه در بین دانش‌آموزان برای فراگیری احکام اسلامی، آموزش نکته‌های فقهی به آنها است. زدودن اشتباهات از ذهن آنان با آگاه کردن آنها از نکته‌های فقهی امکان‌پذیر است. بدین منظور در این شماره نیز ده نکته دیگر را در این زمینه برای خوانندگان ارجمند و علاقه‌مند به احکام اسلامی بیان می‌کنیم.

شایان ذکر است هر حکم شرعی و هر استفتایی که در این نوشتار نگاشته شده و مأخذ و مدرک آن، کتاب خاصی نبوده و یا به منبع و مأخذ آن اشاره‌ای نشده است، منابع و مأخذ آن نزد نگارنده موجود است. و همان‌گونه که در شماره پیش نیز گفته شد در این گونه مسائل هر مقلدی باید از فتوای مرجع تقلید خویش پیروی و به آن عمل کند، مگر در مسائلی که مورد اتفاق همه مراجع بزرگوار تقلید است.

## نکته اول

یکی از مواردی که خمس به آن واجب است، «منفعت کسب» است. بدین معنی که اگر از راه تجارت یا صنعت و یا کسب‌های دیگر، مال و درآمدی به دست آوریم و پس از

یک سال هزینه کردن برای خود و اعضای خانواده مان مقداری از آن اضافه آمد، باید یک پنجم ( $\frac{1}{5}$ ) یا ۲۰٪ از این مقدار اضافه را طبق دستور شرع مقدس اسلام، به عنوان خمس بدهیم. از نکته‌های مهم در زمینه «احکام شناسی» این است که اگر شخصی روز آغاز سال خمسی خود را اول مهر ماه سال ۱۳۷۹ قرار دهد، روز رسیدگی به مسائل خمسی اش در پایان روز سی و یکم شهریور ماه سال ۱۳۸۰ خواهد بود. در این هنگام، چنانچه در روز بیست و نهم شهریور ماه سال ۱۳۸۰ سود و درآمدی به دست آورد و تا پایان روز سی و یکم شهریور ماه ۱۳۸۰، یعنی تا دو روز بعد، آن را برای زندگی خود و اعضای خانواده اش هزینه نکرد، باید خمس این پول را بدهد، اگرچه دو روز بیش‌تر در اختیار او نبوده است و نباید تصور کند که خمس این درآمد را باید در صورت اضافه آمدن، در روز بیست و نهم یا سی و یکم شهریور ماه ۱۳۸۱ بپردازد؛ اما برخی از مراجع معظم تقلید درباره حقوق بگیران و در پاسخ به پرسشی در این زمینه، نکته کاربردی و مهمی را فرموده‌اند که بدین صورت است:

سؤال: اگر کارمندی سال خمسی اش سرآغاز یکی از ماه‌های شمس باشد و حقوق خود را که به سختی تا پایان ماه می‌تواند هزینه‌های زندگی اش را جبران کند، یک یا دو روز پیش از فرارسیدن سال خمسی اش بگیرد، آیا باید خمس آن را بپردازد؟

جواب: حقوق بگیر می‌تواند برای خودش سال خمسی قرار دهد و هرگاه یک سال از دریافت اولین حقوقش سپری شد، در صورتی که پس از هزینه‌های یک ساله زندگی اش مقداری از

حقوق او اضافه آمد، باید خمس آن را بدهد و یا می تواند برای حقوق هر ماه و هر بُرج خود، سال خمسی قرار دهد و حقوق هر ماه و هر برج خویش را جدا نگه دارد تا چنانچه پس از هزینه کردن و گذشت یک سال از همان ماه و برج مقداری زیاد آمد، خمس آن مقدار را بدهد. بنابراین، کارمند مورد سؤال لازم نیست فعلاً خمس حقوق خود را بدهد.

اگر چه نکته یاد شده فعلاً برای خود معلمان کاربرد بیشتری دارد ولی تذکر آن برای دانش آموزانی که در آینده به کار مشغول و حقوق بگیر می شوند نیز سودمند خواهد بود.

#### نکته دوم

یکی از سؤالاتی که گاه مطرح می شود این است که آیا شعبده بازی و تردستی و نمایش و حضور در مجالس آن و نگاه کردن به آن اشکال دارد یا خیر؟ در این باره باید گفت که نظر برخی از مراجع معظّم تقلید این است: «بازی هایی که برای نمایش و سرگرمی و تفریح در بعضی از مجالس دیده می شوند و تردستی و زرنگی شخص را نشان می دهند و غرضی جز این در میان نیست اشکال ندارند؛ اما اگر انجام این کارها برای فریب دادن مردم باشد، نوعی از سحر و جادوگری است که به دست آوردن درآمد از طریق آن و حضور در مجالس آن نیز حرام است».

#### نکته سوم

برخی از وضوگیرندگان برای پرهیز از اسراف، کار شایسته ای را انجام می دهند و پیش از شستن صورت و دست ها، معمولاً سه بار شیر آب را باز می کنند و آب برمی دارند و سپس آن را می بندند و بر اثر انجام این کار، سر شیر آب مقداری خیس و مرطوب می شود.

همان گونه که می دانیم پیش از تمام شدن کامل شستن دست چپ می توانیم از آب خارج استفاده کنیم، ولی پس از آن و برای مسح سر و پا نمی توانیم از آب خارج و آب غیر وضو استفاده کنیم. پرسشی که در این جا پیش می آید این است که اگر وضوگیرنده پس از شستن کامل دست چپ و پیش از عمل

مسح، شیر آب را که مقداری روی آن خیس و مرطوب شده است ببندد، آیا مسح و در نتیجه وضوی او بر اثر تماس با آب خارج باطل می شود یا خیر؟

اغلب مراجع مکرّم تقلید در این باره می فرمایند: «چنانچه رطوبت و خیسی روی شیر آب به اندازه ای کم باشد که به کف دست منتقل نشود، یا بر رطوبت کف دست غلبه نکند یا مسح سر و پا با این رطوبت خارج صورت نگیرد بلکه با رطوبت قسمت دیگری از خود کف دست انجام پذیرد، وضو باطل نمی شود».

البته اگر خوب توجه کنیم، متوجه می شویم که این دسته از وضوگیرندگان، معمولاً پیش از شستن دست چپ خود و نه پس از آن، شیر آب را می بندند و سپس مشغول شستن دست چپ می شوند و غالباً عمل مسح را با رطوبت خارج که بعد از تمام شدن شستن دست چپ وارد شده باشد انجام نمی دهند، در نتیجه اشکالی در صحت و وضویشان پدیدار نمی شود.

#### نکته چهارم

گاهی انسان پس از انجام مسح احساس می کند که عمل مسح به خوبی انجام نشده و رطوبت به طور کامل به محل مسح منتقل نشده و آن را فرا نگرفته است. طبق فتوای برخی از مراجع بزرگوار تقلید، نکته ای که این گونه وضوگیرندگان باید به آن توجه داشته باشند این است که نباید دوباره همان جای قبلی و مرطوب را مسح کنند، بلکه باید در ابتدا همان جا را خشک و دوباره آن را دست بکشند یا قسمت دیگری از محل مسح را که خشک است و قبلاً مسح نشده است، دست بکشند.

#### نکته پنجم

یکی دیگر از سؤالات مطرح شده، این است که اگر شخصی دمپایی و یا کفش دیگران را به پا کند و وضو بگیرد و یا غسل و تیمم نماید، آیا اطلاع نداشتن از رضایت صاحب کفش یا دمپایی باعث باطل شدن این گونه اعمال می شود؟

به جواب این سؤال، از دفتر امام خمینی - قدس سره - توجه کنیم:

سؤال: آیا با دمپایی و یا کفشی که صاحب آن راضی نیست یا نمی دانیم که آیا راضی است یا نه، وضو گرفتن و غسل و تیمم کردن صحیح است؟

جواب: با سمه تعالی؛ تصرف جایز نیست، ولی وضو و غسل و تیمم صحیح است.

#### نکته هشتم

همان گونه که می دانیم نماز خواندن با لباس «سیاه» مکروه است.<sup>۴</sup> یکی از سؤالاتی که بویژه در ماه های محرم و صفر پیش می آید این است: آیا کسانی که برای عزاداری امام حسین علیه السلام لباس «سیاه» بر تن می پوشند، هنگام خواندن نماز مرتکب کار مکروهی می شوند؟ بدین معنی که ثواب نمازشان کمتر می شود؟

برخی از مراجع تقلید در پاسخ به این سؤال، چنین می فرمایند: «چون پوشیدن لباس سیاه نشانه عزاداری امام حسین علیه السلام است و عزاداری آن حضرت کمال رُحجان و ثواب فراوان را دارد، نماز خواندن با آن مکروه نیست».

#### نکته نهم

یکی دیگر از نکاتی که باید به آن توجه داشت این است: هنگامی که امام جماعت در رکعت سوم و یا چهارم نماز و مشغول خواندن تسبیحات اربعه با صدای آهسته است و نماز گزار (=مأموم) دیرتر به نماز جماعت مغرب یا عشا وارد شده و در رکعت اول یا دوم نماز خویش است و می خواهد حمد و سوره نمازش را بخواند، باید در آهسته خواندن آنها از امام جماعت و نماز جماعت پیروی کند و حمد و سوره را با صدای «آهسته» بخواند نه با صدای بلند، چرا که امام جماعت و مأموم های دیگر در حالی خواندن تسبیحات اربعه با صدای «آهسته» اند.<sup>۵</sup>

#### نکته دهم

یکی از پرسش هایی که گاه مطرح می شود این است که آیا جوهر خودکار و ماژیک، لکه رنگ، رنگ موی سر، حنا و مانند آن مانع از صحیح بودن وضو هستند؟ باید در پاسخ به این پرسش بگوییم که اگر موارد مذکور دارای جرم هستند، مانع از صحت وضو خواهند بود. و چنانچه فقط رنگ بدون جرم هستند، مانع از صحت وضو نخواهند بود.

از این رو، لکه رنگ و جوهر خودکار (در صورتی که به مقداری باشد که حالت جرم به خود گرفته باشد) مانع از صحت وضو می شوند. و رنگ موی سر، حنا،

#### نکته ششم

همان گونه که می دانیم بستن چشم ها در نماز مکروه است؛<sup>۱</sup> ولی پرسشی که در این جا پیش می آید، این است که اگر نمازگزار برای داشتن حضور قلب بیشتر در نماز، این کار را انجام دهد، آیا باز هم مرتکب کار مکروهی شده است؟

برخی از مراجع معظم تقلید در پاسخ به این پرسش فرموده اند: «چنانچه تنها راه داشتن حضور قلب در نماز، بستن چشم ها باشد، انجام این کار نه فقط مکروه نیست، بلکه مستحب بودن آن نیز بعید نیست».

#### نکته هفتم

همان گونه که دیده ایم بر قسمت بالایی برخی از سجاده های نماز، کلمات و عبارات «الله اکبر» یا «لا اله الا الله» یا «آیات قرآن» یا «اسماء متبرکه» یا مانند آن نوشته شده است. گاهی بعضی از نمازگزاران، این گونه سجاده ها را به صورت «برعکس» قرار می دهند به طوری که هنگام نماز، پاهایشان روی این عبارات قرار می گیرد.

همچنین می دانیم ایستادن و نشستن روی چیزهایی که احترام آنها لازم است، مانند نام خدا و آیات قرآن و نام های مبارک معصومان علیهم السلام، حرام است.<sup>۲</sup> بنابراین، کسانی که روی این گونه سجاده ها نماز می خوانند، باید توجه داشته باشند که مرتکب این کار نشوند.

توجه به این نکته در موارد دیگری، مانند فرش و زلیبوی مساجد و مجلات و روزنامه هایی که دارای این گونه اسامی اند، و هنگام خواندن نماز جمعه به کار می روند، ضروری است.

جوهر مائیک، خودنویس، روان نویس و خودکار (در صورتی که به مقداری اندک باشد که حالت جرم به خود نگرفته باشد) مانع از صحت وضو نمی شوند.

این امر را به مسابقه بگذاریم و هدایا و جوایزی نیز برای آن در نظر بگیریم.

### قالب های تدریس احکام

در شماره های پیشین به شش قالب از قالب های تدریس و آموزش احکام، یعنی داستان، شعر و سرود، معما، پانتومیم، فیلم و نمایش، و طراحی و نقاشی اشاره کردیم. اکنون به دو قالب جذاب دیگر آن، یعنی «جدول» و «مسابقه» می پردازیم و این بحث را به پایان می رسانیم:

### جدول

یکی دیگر از قالب های تدریس و آموزش احکام «جدول» است. شکل جدول ها را می توان به صورت های گوناگونی مانند «افقی»، «عمودی»، «افقی و عمودی» و «فانتزی» ترسیم و تنظیم کرد.

معلم احکام می تواند با مقداری تفکر و اندیشه، موضوعی از احکام مانند وضو، نماز، روزه، امر به معروف و نهی از منکر را برگزیند و با مطالعه احکام و مسائل آن در رساله توضیح المسائل و کتاب های فقهی دیگر و تبدیل آنها به صورت سؤال به تنظیم سؤالات در خانه های جدول بپردازد.

قابل توجه است که سؤالات یک جدول را می توان از یک موضوع فقهی انتخاب نکرد، بلکه برای هر جدولی پرسش های متنوع و گوناگون دیگری از چند موضوع فقهی و یا حتی از موضوعات دیگر غیر فقهی مانند موضوعات قرآنی، حدیثی، اخلاقی، عقیدتی، اجتماعی و علمی برگزید.

این نکته بر خوانندگان روشن است که سطح سؤالات جدول باید متناسب با سطح علمی، فرهنگی، اجتماعی و سنی دانش آموختگان باشد، و تا آنجا که ممکن است از مسائل مهم و آموزنده و کاربردی برای آنان باشد، مگر در مواردی که شکل جدول مانع این کار شود.

همچنین، در صورتی که با کمبود جدول روبه رو باشیم، می توانیم از دوستان و نزدیکان و یا حتی از خود شاگردان برای تهیه و تنظیم جدول های فقهی یاری جوییم، یا انجام

اینک یک نمونه از جدول های احکام را ارائه می کنیم، ولی «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل»:

### سؤالات جدول:

۱. جای مسح سر و پا باید این گونه باشد.
۲. برای خواندن آن باید وضو گرفت.
۳. به چیزهایی که وضو را باطل می کنند می گویند.
۴. صورت و دست ها را باید از بالا به ..... شست.
۵. هنگام مسح باید ..... حرکت کند و سر و پا ثابت و بی حرکت باشند.
۶. به کارهایی که هنگام وضو باید انجام داد، ..... وضو می گویند.

### مسابقه

آخرین و هشتمین قالب از قالب های آموزشی احکام «مسابقه» است. مسابقه اگر جهتدار و آموزنده باشد و به حسادت و لجبابت و شکایت نینجامد. از قالب های مؤثر، جذاب و غیر مستقیمی است که می توان در آموزش دروس و از جمله درس احکام، از آن استفاده کرد.

سؤالات مسابقه باید مهم، کاربردی، مورد نیاز و با سطح علمی و اجتماعی و سنی مخاطبان متناسب باشند. و حتی در صورت محدودیت تعداد سؤالات - که غالباً نیز همین گونه است - باید از آوردن احکام غیر مهم و غیر کاربردی و حتی مسائل مستحب و مکروه خودداری ورزید. مثلاً در یکی از مسابقات احکام که در یکی از روزنامه ها آورده شده بود، این سؤال به چشم می خورد: «خواندن نماز واجب بر بام خانه کعبه چه حکمی دارد؟» واقعاً این سؤال چه مقدار کاربردی و مورد ابتلا و نیاز جامعه است؟ آیا در این زمان به کسی اجازه می دهند که بر بام خانه کعبه نماز بخواند تا در میان این همه سؤالات فقهی مهم و مورد نیاز، این سؤال پرسیده شود؟ و آیا می دانیم که این کار، طبق نظر اغلب مراجع تقلید، از کارهای «مکروه» است؟



## ۶. سؤالات سه بُعدی

الف. چه کسی باید وضو بگیرد؟ چه کسی نباید وضو بگیرد؟ چه کسی مستحب است وضو بگیرد؟  
پاسخ (به ترتیب): ۱. کسی که می خواهد نماز بخواند.  
۲. کسی که غسل جنابت کرده است. ۳. کسی که می خواهد قرآن بخواند و کارهای ذکر شده در مسأله ۳۲۲ (رساله امام خمینی - قدس سره) را انجام دهد.

ب. کدام نماز است که باید حمد و سوره اش را آهسته خواند؟ کدام نماز است که باید حمد و سوره اش را بلند خواند؟ کدام نماز است که حمد و سوره اش را می توان هم آهسته و هم بلند خواند؟

پاسخ (به ترتیب): ۱. نماز ظهر و عصر. ۲. نماز صبح و مغرب و عشا برای مردان. ۳. نماز مستحب.

امید است به کارگیری قالب های هشت گانه در آموزش احکام را برای خویش کسرشان ندانیم و کاری سبک و غیر وزین نپنداریم، اگر چه انجام این گونه کارها ذوق و سلیقه و حوصله و دیدگاهی دیگر را می طلبد و به گفته آن شوریده کاشانی: «چشم ها را باید شُست؛ جور دیگر باید دید».<sup>۸</sup>

اکنون نمونه های گوناگونی از سؤالات مسابقات احکام، غیر از سؤالات چهارگزینه ای، به دست می دهیم تا گامی آغازین و سودمند در این راه باشد.<sup>۹</sup> این نکته را نیز یادآوری کنیم که پاسخ های سؤالات طبق نظر اغلب مراجع معظم تقلید آورده شده است:

### ۱. در کجا؟

الف. در کجا می توان نماز را کامل یا شکسته خواند؟  
پاسخ: مسجد الحرام، مسجد النبی - صلی الله علیه و آله - مسجد کوفه، حرم امام حسین - علیه السلام -

ب. در کجا به هر جهتی می توان نماز خواند؟  
پاسخ: مسجد الحرام در صورتی که خانه خدا در برابرمان باشد.

### ۲. در چه صورت؟

الف. در چه صورت نماز گزار در نمازهای واجب فقط باید سوره حمد را بخواند؟  
پاسخ: در صورتی که نماز احتیاط می خواند.

ب. در چه صورت نماز گزار نباید حمد و سوره بخواند؟  
پاسخ: در صورتی که نماز جماعت می خواند و خود وی امام جماعت نیست.

### ۳. به من بگو ضد مرا؟

الف. به من بگو ضد آب مُطلق چیست؟  
پاسخ: آب مُضاف.

ب. به من بگو ضد کراهت چیست؟  
پاسخ: استِحباب.

### ۴. به من بگو تفاوت این دو را؟

الف. تفاوت واجب با احتیاط واجب؟

ب. تفاوت ترتیب با مؤالات (در وضو و نماز)؟

### ۵. به من بگو کدام است؟

الف. کدام نماز واجب است که باید به جماعت خوانده شود؟  
پاسخ: نماز جمعه.

ب. کدام نماز واجب است که نباید به جماعت خوانده شود؟  
پاسخ: نماز احتیاط.

۱. توضیح المسائل مراجع. گردآوری سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، ۲ جلد، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۹۴، مسأله ۱۱۵۷

۲. همان، ص ۹۱، مسأله ۱۴۰.

۳. همان، ص ۴۶۴، مسأله ۸۸۳.

۴. همان، ص ۴۵۲، مسأله ۸۶۵.

۵. دفتر امام خمینی (قدس سره)، بخش استفتا.

۶. با استفاده از: احکام جوانان. محمود اکبری، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.

۷. به علت طولانی و مفصل بودن پاسخ ها از آوردن آنها خودداری شد.

۸. سهراب سپهری.